

## جنگ و صلح عادلانه

حسین رویوارن  
رحمت ابراهیمی

### چکیده

انسان به عنوان مخلوق خدواند از دو جنبه معنویت و طبیعت تشکیل یافته است. برای بررسی ضروریات حیات انسان به منظور کمال جنگ و صلح عادلانه در بعد طبیعت انسان معنی و مفهوم می یابد. سوال اصلی این است: جنگ و صلح و عادلانه در نهج البلاغه چگونه است؟ فرضیه پیشنهادی این است که در نهج البلاغه جنگ و صلح برای هموار سازی مسیر رشد و تربیت، آزادی و امنیت انسان به منظور کمال است. روش پژوهش بر اساس پیاز فرآیند پژوهش است. نتیجه پژوهش این است که هدف از جنگ و صلح در نهج البلاغه به منظور برقراری عدالت بین دو بعد مادی و معنوی انسان برای رسیدن به کمال است.

**کلید واژه:** جنگ و صلح، نهج البلاغه، کمال، تربیت و آزادی و امنیت.

### مقدمه

انسان به عنوان اشرف مخلوقات خداوند دارای دو بعد مادی و معنوی است. در بعد مادی دارای ویژگیهای مشترک با حیوانات، نباتات و جمادات است و جنگ در این بعد از ابعاد وجودی انسان معنی می یابد. بعد دیگر انسان معنویت است که در آن بخش همواره صلح برقرار است. معنویت انسان رو به عالم بالا دارد و مادیت انسان روی در طبیعت دارد. در طبیعت تکثر در حد اعلا است و هرچه به سمت معنویت و عالم بالا که بعد دیگر انسان است و انسان مسافر الی الله

است وحدت در حد اعلا قرار دارد و آن سمت زندگی همواره با صلح است. انسان برای آنکه بتواند به کمال برسد نیاز دارد تا بین دو بعد خود عدالت را برقرار نماید. هرگاه انسان مدیریت بعد معنوی خود را با ابزار تقوا بر بعد طبیعت خود حاکم نماید عدالت را در حق خود اجرا نموده و وجود انسان در صلح قرار دارد. هرگاه موانعی در سر راه مدیریت بعد عالی انسان قرار گیرد با استفاده از مکانیسم جهاد موانع مسیر بعد عالی از بین می رود. گاهی موانع درونی است که با مکانیسم جهاد با نفس و تزکیه مانع زدایی صورت می گیرد و گاهی مانع بیرونی است که با جهاد بیرونی یا جنگ بیرونی مانع زدایی از سر راه مدیریت بعد عالی انسان صورت می گیرد. موضوع این پژوهش جنگ و صلح عادلانه بیرونی با دشمن بیرونی است. دو گونه دشمن در نهج البلاغه به عنوان مفسر عملی قرآن برای جنگ و صلح عادلانه امام علی علیه السلام قابل طرح و بررسی است. اول جنگ و صلح عادلانه برای دشمنی نرم و دوم جنگ و صلح عادلانه برای دشمنی سخت است. در نهج البلاغه برای هر یک از موارد فوق شاخص ها و معیارهای عادلانه ای وجود دارد.

### جهاد با دشمن بیرونی

در اسلام موضوع جنگ و جهاد بیرونی توسط مسلمانان مورد توجه قرار گرفته و در رابطه با آن قانون وضع شده است. در قرآن کریم آیات متعددی راجع به جهاد است و در نهج البلاغه خطبه ۲۷ امام علی علیه السلام می فرماید: همانا جهاد دری از درهای بهشت است؛ خداوند، آن در را به روی دوستان خاص خود گشوده است».

برای وصول به رحمت و رضوان خداوند و بهشت برین الهی، اسباب مختلفی وجود دارد که در احادیث، به عنوان «درهای بهشت» معرفی شده که یکی از مهمترین آنها، جهاد است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «بهشت، دری دارد به نام «باب المجاهدین» که آنان، به سوی آن حرکت می کنند و در را در برابر خود باز می بینند در حالی که شمشیرها را به کمر بسته اند. این، در حالی است که سایر مردم، در موقف حساب ایستاده اند و در انتظار حسابند، (اما مجاهدان، بدون حساب، به سوی بهشت می روند و در آستانه بهشت) فرشتگان، به آنان تبریک می گویند» (کلینی، ج ۵، ۱۳۷۹: ۵). تنها اولیای خاص الهی می توانند این طریق را با نیت خالص و تا آخرین مرحله، بپیمایند و دیگران گاه با نیاتی آلوده و انتظار غنیمت و یا کسب نام و شهرت و یا امثال آن، در این

میدان گام می‌نهند و تا آخرین مرحله پیش نمی‌روند. آنها هستند که در برابر تمام مشکلات جهاد اکبر و اصغر، صبر و شکیبایی به خرج می‌دهند و در برابر تمام شدائد این راه، می‌ایستند و شیاطین جن و انس را با پایمردی خود، به زانو در می‌آورند. اما «خاصه اولیائنه: دوستان خاص خداوند» در کلام امیرالمومنین علی علیه السلام چه ویژگی‌هایی دارند؟

در خطبه ۱۸۲ حضرت علیه السلام بیان می‌دارد: «کجایند برادران من که راه حق را سپردند و با حق رخت به خانه آخرت بردند؟ کجاست عمار؟ کجاست پسر تیهان؟ و کجاست ذوالشهادتین؟ و کجایند همانندان ایشان از برادرانشان که با یکدیگر به مرگ پیمان بستند و سرهای آنان را به فاجران هدیه کردند». بی شک این گونه صدا زدن این افراد نشان از این دارد این بزرگواران که حضرت علیه السلام از ایشان به عنوان برادر یاد می‌کند جزء یاران خاص حضرت هستند. حضرت این سخن را بعد از جنگ صفین ایراد کرده است. از «عمار» یاد می‌کند؛ او که شهید سرفراز جنگ صفین است؛ همو که پیامبر در موردش فرمود: «عمار بر حق است و حق با عمار» از «مالک بن تیهان» یاد می‌کند؛ او که از پیشگامان اسلام و از نقیبان بیعت عقبه بود، با اینکه ثروت فراوان داشت همه را فدای علی علیه السلام کرد و در جنگ صفین به شهادت رسید. از «خزیمه بن ثابت» (ذوالشهادتین) یاد می‌کند؛ شهید وفادار جنگ صفین. ابن ابی لیلی گوید: در صفین بودم مردی را دیدم با ریش سفید و عمامه بر سر و نقاب بر چهره، فقط انتهای ریش او دیده می‌شد، سخت می‌جنگید، گفتم: ای شیخ با مسلمانان می‌جنگی؟ نقاب از چهره برداشت و گفت: بلی من خزیمه‌ام از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: «با همه کسانی که با علی می‌جنگند، بجنگ!» (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۲) در نهج البلاغه آمده است که امام علی علیه السلام پس از یاد این شهیدان، دست بر محاسن خود گذاشت و مدتی طولانی گریه کرد و سپس فرمود: «دریغا! از برادرانم که قرآن خواندند و در حفظ آن کوشیدند. واجب را بر پا کردند، پس از آنکه در آن اندیشیدند سنت را زنده کردند و بدعت را میراندند. به جهاد خوانده شدند و پذیرفتند. به پیشوای خود اعتماد کردند و در پی او رفتند». از این تعبیر حضرت علی علیه السلام؛ «اهم ویژگی‌های اولیاء خاص الهی دانسته می‌شود؛ اوصافی همچون «پابندی به احکام اسلام و قرآن»، «اهتمام نسبت به اقامه حدود و واجبات الهی از جمله جهاد در راه خدا»، «زنده کردن و زنده نگاه داشتن سنت‌های الهی»، «مبارزه و مقابله با بدعتها»، «ولایت

پذیری و اطاعت بی چون و چرا از ولی و پیشوای خود»، «بی تفاوت نبودن در برابر فتنه ها» و... اینان که اولیای خاص خدایند بر خلاف مردمی هستند که مولا در مورد آنها می فرماید: کاش شما را نمی شناختم هرگاه شما را به جهاد فراخواندم سردی یا گرمی هوا را بهانه کردید خدا شما را بکشد که دل مرا خون کردید (مرعشی، ۱۴۰۹، ۱۷۳). عواملی در دشمنی و حب و بغض انسان وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می شود.

## عوامل چهارگانه حُب و بُغض در انسان

### ۱- اختلاف طبایع انسان ها

یکی از علل و عوامل اختلاف های انسانی اختلاف و طبایع و سلیق آدمی است. حجم زیادی از اختلاف افکار و اندیشه های بشری، به هر دلیل خواه وراثتی، محیطی و غیر آن، اجتناب ناپذیر است و چه بسا بتوان گفت این طرحی است که خدا در انداخته است، اختلاف از سنت الهی است. خداوند در قرآن در آیه ۱۴ سوره نوح می فرماید: ﴿وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا﴾؛ شما را به گونه های مختلف آفرید. و همچنین در آیه ۱۳ حجرات می فرماید: ﴿...وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾. و شما را قبیله ای بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید (پس در میان شما برتری نژادی نیست بلکه) مسلماً گرمی ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است. این آیات نشانه از اختلاف در طبایع و سلیقه ها انسان و بعنوان یم واقعیت در انسان است. و اگر درست مدیریت نگردد ممکن است باعث دشمنی شود.

در خطبه ۲۳۴ نهج البلاغه می فرماید: «سرشت مردمان آنها را از یکدیگر جداشان ساخته است، و میان شان تفرقه انداخته، که ترکیب شان از پاره ای زمین است که شور یا شیرین است، و خاکی، درشت یا نرم است» (دستی، ۱۳۹۰: ۳۳۵).

### ۲- ایدئولوژی

این کلمه فرانسوی است که مرکب از "idee به معنای تصور و اندیشه logie به معنای شناخت" است. ایدئولوژی روشی از اندیشه است که می خواهد هم جهان را توضیح دهد و هم دگرگون سازد. و اولین بار این واژه را دستوت دوتراسی (۱۸۳۶ - ۱۷۵۴) دانشمند فرانسوی به کار برد. و

هدف او از این کلمه (اندیشه شناسی) یا (دانش ایده ها) بود. و گاهی هم به معنای سنجیده و ناسنجیده استعمال می‌شود. ایدئولوژی زاده جهان بینی است، می‌توان گفت ساده‌ترین معنای ایدئولوژی همان چیزی است که از ترکیب دو واژه‌ی idea (ایده و فکر) و logos (سیستم و مجموعه) به ذهن می‌رسد: سیستمی از ایده‌ها و افکار. ایدئولوژی مجموعه‌ای آگاهانه یا ناآگاهانه از افکار، باورها و نگرش‌هاست که برداشت‌ها و سوء برداشت‌های ما را از جهان سیاسی و اجتماعی شکل می‌دهد. ایدئولوژی بر روی قضاوت‌ها، رفتارها، تصمیم‌ها و توصیه‌ها تأثیر می‌گذارد. اختلاف طبایع انسانی، بنا به ضرورت اختلاف تفکر و ایده را بدنبال دارد. اگر ایده‌ها و افکار جهت درست در زندگی پیدا نکند می‌تواند باعث ایجاد اختلاف و دشمنی شود. هرگاه این اختلاف فکر و ایده‌ها وارد عرصه سیاست و قدرت گردد، اندک اندک زمینه بد بینی و در نتیجه دشمنی را بدنبال خواهد داشت.

ایدئولوژی در حوزه الهیات و معارف اسلامی یک تئوری کلی درباره جهان هستی همراه با یک طرح جامع، هماهنگ و منسجم است که راه انسان را در زندگی مشخص می‌کند و هدف آن سعادت و تکامل اوست به عبارت دیگر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها در زندگی و رفتار انسان است که مایه سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت می‌شود. بنابراین دارا بودن ایدئولوژی درست در شناخت دوست و دشمن بسیار مهم و موثر است. و به دوستی‌ها و دشمنی‌ها جهت می‌بخشد. با این مقدمه آنچه به ایدئولوژی جهت دهی در فکر و اندیشه می‌دهد جهان بینی است بر همین اساس امام علی علیه السلام در خطبه ۱ نهج البلاغه اشاره به جهان بینی توحیدی دارد و همانند سوره اخلاص در قرآن صفات خدا را بیان می‌کند. امام علی علیه السلام در ابتدای این خطبه از خدایی یاد می‌کند که هیچ سپاس گویی قادر به سپاس گفتن خدا نیست و هیچ شمارنده‌ای نمی‌تواند نعمت‌های او را احصاء و شمارش در آورد و هیچ کس از آدای حقیقتش بر نمی‌آید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ...» خدایی که همت بلندهمتان و زیرکی دانایان به فهم او نمی‌رسد و صفتش را نهایتی نیست: «الَّذِي لَيْسَ لِيَصِفَتِهِ حَدٌّ مَحْدُودٌ...» و خلاق را به قدرتش آفریده و بادها را به رحمتش جاری کرده و به وسیله کوهها کره زمین را از تزلزل و اضطراب رهاییده است تا موجودات ساکن آن بر روی آن به آرامش زندگی نمایند: «فَطَرَ الْخَلَائِقَ بِقُدْرَتِهِ...» این گونه جهان بینی

توحیدی باعث بوجود آمدن ایدئولوژی توحید می‌شود. (دشتی، ۱۳۹۰: ۲۰)

### ۳- منفعت طلبی

منفعت طلبی برای تامین منافع فرد، گروه، قوم و قبیله و یا کشور می‌تواند باعث بروز دشمنی گردد. به هر میزان قدرت در انسان خواه در حوزه فردی و یا در کشور و حوزه سیاسی بیشتر باشد می‌تواند باعث بروز دشمنی شود و اگر این حوزه نیز مدیریت نگردد باعث دشمنی بی منطق و غیر الهی در سطح سیاسی می‌شود. و اگر از اصول اخلاقی خارج گردد باعث بوجود آمدن خسارتهای جبران ناپذیری در جامعه می‌شود.

### ۴- خُلق و خُوی انسان

در آیه ۳۰ سوره روم می‌فرماید: ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾، خداوند بزرگ، رسول خود را مخاطب قرار داده و به او دستور الزامی می‌نماید که روی خود را، یعنی همت خود را بر دین پاکیزه حق، قرار ده و در امر آن استقامت و پایداری نما؛ زیرا که دین اسلام فطرت خدایی است که خداوند، مردم را بر آن فطرت و سرشت آفریده و تغییر و تبدیلی در خلقت پروردگار نیست؛ یعنی همه‌ی انسان‌ها در خداجویی و پذیرش دین و یکتایی خالق هستی بدون در نظر گرفته شدن زمان، مکان و عوامل تأثیرگذار دیگر، در نهاد و سرشت خود به طور یکسان آفریده شده‌اند. اما این انسان به دلیل برخوردار بودن از بعد دانی دارای برخی خصوصیات مانند حسد، کینه، خودخواهی، برتری طلبی و جاودانگی است. اگر این خلق و خوی ناپسند انسانی درست مدیریت نگردد از عواملی هستند که زمینه دشمنی را در انسان فراهم می‌کند.

اگر این صفات در یک سیاستمدار بروز و ظهور پیدا نماید و برای حذف رقیب سیاسی خود بخواهد استفاده نماید از عوامل مهم و تأثیر گذار در دشمنی خواهد بود. و گاهی با استفاده از ابزار قدرت به اینگونه رذایل اخلاقی جنبه قانونی می‌بخشند. امروزه سازمان ملل و برخی دیگر از سازمانهای بین المللی به ابزاری برای بروز و ظهور این عقده و کینه‌ها و حسدها تبدیل شده است. عدالت و بی‌عدالتی در این بخش خودش را بروز می‌دهد.

## عدالت محوری در هدف از دشمنی

در قرآن کریم آیه ۱۹۳ سوره بقره هدف از دشمنی و جنگ را اینگونه بیان می‌فرماید: «حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» هدف از جنگ در اسلام، برچیدن شرک و فتنه و استقرار «حق» دین و قانون خداست. در دیدگاه نهج البلاغه هدف دشمنی برای از بین بردن موانع آزادی از سر راه هدایت اجتماع و دفع باطل است. زیرا این موانع باعث سلب آزادی و بوجود آمدن سد در سر راه هدایت انسانها می‌گردد و تا زمانی که این موانع وجود داشته باشد باعث انحراف انسان در جامعه از مسیر هدایت و کمال می‌شود. دشمنی از دیدگاه نهج البلاغه جدال حق و باطل است. بر این اساس امام علی علیه السلام هدف از دشمنی را ظلم و ستم نمی‌داند و هدف را حق، ریشه کنی فساد و ظغیان و مبارزه با انحراف، برپایی امنیت و آرامش بیان نموده است.

## عدالت محوری با نابودی حاکمیت شرک و کفر و احقاق حق

در خطبه ۱۷۰ هدف از دشمنی را احقاق حق بیان می‌نماید و می‌فرماید: در آستانه جنگ جمل و هنگامی که حضرت به نزدیکی بصره رسید، فردی به نمایندگی از طرف اهالی بصره بنام «کلب جرمی» به جهت آگاهی از حقیقت و دانستن هدف مبارزه امام علیه السلام با اصحاب جمل نزد امام علیه السلام آمد. امام علیه السلام با آن شخص صحبت می‌کند و توضیح می‌دهد و با توضیح کافی امام علیه السلام قانع می‌شود، در این هنگام پیشنهاد بیعت (صلح) می‌دهد و او در پاسخ می‌گوید، من نماینده جمع هستم و نمی‌توانم قبل از مراجعه به آنان به هیچ کاری اقدام نمایم، امام علیه السلام خودداری او از بیعت بعد از درک حقیقت را نادرست دانسته و به او فرمود هرکس تنها در برابر حق مسئول است و گروه و قوم در برابر حق اصالت ندارد.

و برای نزدیک شدن مطلب به ذهن فرستاده اهل بصره فرمود: به من بگو اگر کسانی تو را در بیابان به جستجوی آب بفرستند و تو آنها را از وجود آب و سبزه خبر دهی، ولی آنها با تو مخالفت کرده و به طرف زمینهای خالی از آب و سبزه بروند تو با آنها چه خواهی کرد؟ مرد بصری گفت: آنها را رها کرده و خود به جانب آب و سبزه خواهم رفت. پس امام به او رو کرد و فرمود: در این صورت دستت را برای بیعت به من بده و بیعت کن. در اینجا وقتی این فرد بصری هدف دشمنی امام علیه السلام را که همانا هدایت و کمال بود

مشاهده کرد تسلیم امام علیه السلام شد و گفت: با چنین برهان روشن جز بیعت چاره ای ندیدم و بی درنگ بیعت کردم و صلح را بر جنگ امام علی علیه السلام ترجیح دادم. (دستی، ۱۳۹۰: ۲۳۱)

### عدالت محوری ظلم و ستم نیست

همچنین در خطبه ۱۷۱ هدف از دشمنی را عدم ظلم و ستم بیان نموده است. برای آنها که هدفشان مبارزه در راه حق و دفع باطل است، همیشه این خطر وجود دارد که پس از غلبه بر دشمن و حصول پیروزی و چشیدن طعم قدرت به تجاوز و ستم آلوده شده و با توجیهاات مختلف نسبت به رقیب و مخالف ظلم نمایند و به اینصورت از هدف اصلی که همانا هدایت بوده بیرون رفته و ظلم نمایند، امام علیه السلام در خطبه ۱۷۱ نهج البلاغه قبل از جنگ با اهل شام خود و همران خود را متوجه خدا نموده تا در پیروزی یا شکست خدا را از یاد نبرند و به ظلم و ستم آلوده نشوند. (دستی، ۱۳۹۰: ۲۳۱)

### عدالت محوری در مبارزه با انحراف خوارج و دفع فتنه

مبارزه با انحراف نظیر خوارج نهران که حضرت در خطبه ۴۰ و ۵۷ نهج البلاغه خوارج با استناد به آیه کریمه ۵۷ سوره انعام ﴿إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾ که اصل پذیرش حکمیت را کفر و خود و حضرت علی علیه السلام را کافر پنداشتند و خواستار توبه امام علیه السلام شدند امام علی علیه السلام از آنجا که مایل نبود به روی کسانی شمشیر بکشد که تا دیروز در کنارش علیه سپاهیان معاویه مشغول نبرد بودند (دستی، ۱۳۹۰: ۶۵).

در اثر خطابه‌ها امام علی علیه السلام شمار بسیاری از خوارج، به سپاه امام پیوستند و از هلاکت نجات یافتند، اما پس از آنکه باقیمانده این گروه منحرف، بر عقاید خویش اصرار ورزیدن و سلاح برگرفته، به کشتار مسلمانان بی گناه پرداختند، امام علیه السلام، دیگر درنگ و مدارا را روا ندانست و با بصیرت کامل دریافت که باید به این فتنه پایان دهد و امت اسلامی را از دست این منحرفان لجوج رهایی بخشد؛ چنانکه نابودی فتنه خوارج در خطبه ۹۲ نهج البلاغه را از امتیازهای برجسته دوران حکومت خویش معرفی میفرماید: اما بعد، ای مردم من چشم فتنه و فساد خوارج را کور کردم و غیر از من کسی بر دفع آن فتنه و فساد جرات نداشت؛ پس از آنکه تاریکی آن، موج زده و سختی آن، رو به افزایش نهاد بود. بنابراین بر پای جنگ با منحرفان محارب که در صدد اشاعه انحراف و در نتیجه از هم گسیختگی عقیدتی جامعه اسلامی اند، مشروع است (دستی، ۱۳۹۰: ۱۲۳).



## رعایت عدالت در گستره دشمنی

خداوند انسان را آزاد گذارده تا راه زندگی خود را در مسیر صعود و کمال یا در راه سقوط و هبوط برگزیند؛ اما دامنه این آزادی تا آنجا گسترده نیست که بتواند غرض و هدف اصلی خداوند و حکمت او را در آفرینش پایمال کند.

در اصل، دادن آزادی تکوینی به انسان برای این بوده که بتواند راه کمال انسانی خویش را به پیماید؛ و در این مسیر اگر آزادی انسان سبب آن شود که همه آدمیان به جای راه کمال، به سوی پستی و سقوط گرایش یابند و به کفر و شرک روی آورند، هدف آفرینش نقض خواهد شد. از این رو حکمت الهی اقتضای چنان آزادی بی حد و حصری را ندارد که در نهایت به تسلط کامل مفسدان و تبهکاران بر جامعه بشری بیانجامد، به گونه‌ای که اوضاع و احوال را یکسره زیر سیطره خویش درآورند، راه‌های حق و عدل را به کلی مسدود سازند و آیین راستین الهی را نابود کنند، تا آنجا که دیگر هیچ کس نتواند در مسیر حق و عدل حرکت کند و راه را از چاه تشخیص دهد.

امام علی علیه السلام در نامه ۶۲ نهج البلاغه به شناخت دشمن تاکید می‌نماید (دستی، ۱۳۹۰: ۴۲۷). با شناخت دشمن می‌توان به حد دشمنی دشمن پی برد. لذا براساس آن می‌توان با دشمن مقابله کرد و حد و حدود را در دشمنی کرد. در ادامه این مطلب برای حد و حدود دشمنی امام علی علیه السلام در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه رعایت حلال و حرام الهی در حدود و گستره مخالفت و دشمنی را از مهمترین واجبات بیان می‌نماید. می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ حَرَامًا غَيْرَ مَجْهُولٍ وَ أَحَلَّ حَلَالًا غَيْرَ مَدْخُولٍ» در اینجا رعایت حرمت و حدود براساس حلال و حرام الهی بیان می‌نماید. در بخش چهارچوبه اخلاق مخالفت و دشمنی بصورت مشروح تر بیان شده است (دستی، ۱۳۹۰: ۲۲۷).

## رعایت عدالت در مدت زمان دشمنی

همانگونه که در قرآن کریم آیه ۱۹۳ سوره بقره هدف از دشمنی و جنگ را اینگونه بیان می‌فرماید: «حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» دفع فتنه از زمین است. لذا تا زمانی که فتنه وجود دارد، و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و بس، و اگر (از فتنه) دست کشیدند (با آنها عدالت کنید که) تجاوز برای شما مومنان نیست و تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.

امام علی علیه السلام در خطبه ۹ نهج البلاغه در برابر این پیشنهاد که از «تعقیب طلحه و زبیر صرف نظر

کند، سخن فوق را فرمود و به حق پیشنهاد فوق بسیار ساده لوحانه بود، چرا که نقشه این بود که آنها بصره و سپس کوفه را در اختیار خود بگیرند و معاویه با آنها بیعت کند و در شام از مردم نیز برای آنان بیعت بگیرد و به این ترتیب بخش‌های عمده جهان اسلام در اختیار جاه طلبان پیمان شکن قرار گیرد و تنها مدینه در دست علی علیه السلام بماند (دشتی، ۱۳۹۰: ۳۵)».

دشمنی تا زمانی که دشمن از دشمنی دست بردارد و عملی خلاف مصالح مسلمین انجام دهد ادامه دارد و پس از آن دشمنی متوقف می‌شود و مراقبت از دشمن و زیر نظر داشتن تحرکات دشمن همواره وجود دارد.

### عدالت محوری در توقف دشمنی

در طول تاریخ، جنگ‌ها به صورت گوناگون پایان پذیرفته‌اند: گاه با شکست کامل نظامی یک طرف و یا تسلیم خاتمه یافته و گاه به دلیل وجود توازن قوا، بر اساس یک توافق مقدماتی، آتش بس صورت گرفته و سپس با عقد قرار دادی در نهایت منجر به صلح شده است، تاریخ اسلام نیز چنین بوده است و آنگاه که جنگ به شکست طرف مقابل منجر می‌شد یا دشمن خود را در مقابل خواسته‌های مسلمین تسلیم می‌کرد سرانجام جنگ به پذیرش اسلام و یا انعقاد قرارداد منتهی می‌شد.

جنگ یکی از احکام و دستورات الهی است. بر اساس آیه ۱۹۳ سوره انفال ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ دشمنی تا زمانی که فتنه وجود دارد پابرجاست.

در این آیه ﴿حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾ پاکسازی، قبل از بازسازی است. ابتدا فتنه برداشته شود تا بعد دین الهی مستقر گردد. اول کفر به طاغوت، بعد ایمان به خدا.

یکی دیگر از راه‌های پایان دشمنی. ﴿فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ﴾ راه برگشت و توبه بر هیچ کس و در هیچ شرایطی بسته نیست. حتی دشمن سرسخت نیز اگر تغییر مسیر دهد، خداوند او را مورد عفو قرار می‌دهد.

در آیه ۱۹۲ سوره بقره ﴿فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ ضمن بخشش خداوند نسبت به گناه کفار مطرح شده است؛ در این آیه به مردم سفارش می‌کند که در صورت دست برداشتن دشمن از دشمنی و جنگ، شما هم از دشمنی و جنگ صرف نظر کنید.

## عدالت محوری در نتایج و تاثیرات دشمنی

مهمترین دستاورد و نتایج بعد از دشمنی بایستی این باشد که دشمن بداند دشمنی با دین خدا بدون عواقب نیست و بایستی عواقب دشمنی خود را بپردازد و آن از بین بردن مانعی است که دشمن بر سر راه رشد و کمال انسان قرار می‌دهد و پس از غلبه بر دشمن نیز مهمترین دستاورد بایستی در جهت حفظ وحدت و همدلی در میان انسانها باشد.

در نامه ۱۵ نهج البلاغه امام علی علیه السلام به این موضوع اشاره می‌نماید؛

مهمترین موفقیت و نتایج دشمنی پس از غلبه بر دشمن از بین بردن موانع رشد، وحدت و همدلی میان مسلمانان است و وحدت و همدلی برای حول محور حق ممکن خواهد بود، بنابراین اگر جوامع ایمانی از تفرقه و تشتت: آراء رنج می‌برند، باید به خدا و دین او برگردند، همه گردن‌ها به جانب او کشیده شده و تمامی چشم‌ها به او متوجه گشته و پاها به طرف او حرکت کرده و بدن‌ها در هوای او فرسوده می‌شود.

نامه ۱۵ در باره نتایج دشمنی اینگونه آمده است. نتایج پس از دشمنی و غلبه بر او بایستی باعث، عدم تفرقه و اختلاف، عدم مبتلا به تنگی در معیشت باشد و همواره باید از خداخواست با از بین بردن دشمنی‌ها و کینه‌ها، گشایش را نصیب مسلمانان نماید، و راه علاج کینه‌ها و حصول بزندان (دستی، ۱۳۹: ۳۵۳). در نامه ۲۹ نهج البلاغه امام علی علیه السلام نتایج پیروزی بر دشمن را عفو عمومی بر دشمنان می‌خواند (دستی، ۱۳۹۰: ۳۶۹).

اصول و شاخص‌های عدالت محوری در جنگ نرم و سخت از دیدگاه نهج البلاغه کدامند؟

## عدالت محوری رفتار سیاسی در نهج البلاغه

در فرآیند دشمنی، چه اقداماتی باید انجام گیرد؟

در فرآیند دشمنی همواره بایستی کرامت انسانی دشمن چه در دشمنی نرم یا دشمنی سیاسی و چه در دشمنی سخت یا جنگ بایستی حفظ شود. و در فرآیند دشمنی بایستی اصول اخلاق دشمنی را رعایت کرد. امام علی علیه السلام ادامه دهنده راه و مسیر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. نهج البلاغه را می‌توان مفسر قرآن نامید. در اینجا دشمنی در حوزه «دشمنی نرم» یا سیاست از دیدگاه نهج البلاغه مطرح

می‌شود. زندگی بشر بخش‌های تلخ و شیرین زیادی دارد و از جمله بخش‌های ناخوش و ناگوار زندگی انسان‌ها، «دشمنی» بین آنها است. دشمنی در زندگی بشر، اگرچه اصالت ندارد اما واقعیت دارد، و از آنجا که دین برای زندگی است و به امور واقع می‌پردازد، طبعاً موضوع دشمنی نیز می‌تواند مورد توجه دین قرار گیرد. از جمله قواعدی که شاید بتواند این سبُعیت را تا اندازه‌ای کنترل و خشم موجود در آن را کاهش دهد، «عدالت» و اصول عدالت است. ادیان غیرالهی و الهی به طور کلی، و دین اسلام به ویژه، بانی و مروج عدالت هستند.

## روشن پژوهش

توصیفی و کیفی با ابزار فیش برداری کتابخانه‌ای؛ جهت‌گیری پژوهش بنیادی و کاربردی، فلسفه پژوهش جهان بینی شیعی، رویکرد پژوهش قیاسی، استراتژی پژوهش کیفی، اهداف پژوهش توصیفی، افق‌زمانی تک‌مقطعی، شیوه‌های گردآوری داده‌ها بررسی اسناد، مدارک و مطالعات کتابخانه‌ای است. براین اساس شاخص‌های عدالت وزی در دشمن نرم و سخت بیان می‌شود.

## شاخص‌های عدالت محوری در دشمنی سیاسی

### ۱- تامین آزادی مخالفان و دشمنان و گفتگو با آنان

از ویژگی‌های مهم شخصیت امام علی علیه السلام دوری جستن از حبّ و بغض‌های بی اساس است. از این رو، حضرت به رغم آنکه دشمنان حکومت اسلامی و ناصالحان را به تشکیلات حاکمیت راه نمی‌داد، اما در عین حال، حقوق آنها را در برخورداری از حیات انسانی و بهره‌مندی از امنیت و آسایش به رسمیت می‌شناخت.

کشاورزان مشرک منطقه‌ای از رفتار سختگیرانه والی آن به امام علی علیه السلام شکایت می‌کنند. امام در نامه ۱۳ نهج‌البلاغه به حاکم تذکر می‌دهد که هرچند اینان مشرکند، اما به خاطر پیمانی که با حکومت اسلامی دارند، درخور دور شدن و ستم کردن نیستند، پس با ایشان مهربانی آمیخته با سختی را، شعار خود قرار ده، با آنها بین سخت دلی و مهربانی رفتار کن، برایشان بین نزدیک و زیاد، نزدیک گردانیدن و دور و بسیار دور ساختن، جمع کن (یعنی با آنان به اعتدال رفتار کن) بنابراین، از

دیدگاه امام علی علیه السلام مشرکان هم پیمان با حکومت اسلامی، سزوار بر خورداری از ملاطفت و مهربانی حاکمان هستند؛ به گونه ای که محبت همراه با سخت دلی باشد. (صبحی، ۱۴۱۴: ۳۷۶).

## ۲- تامین امنیت مخالفان و دشمنان

امام علی علیه السلام در نامه ۱۹ نهج البلاغه خود به فرمانداران شهرهای مختلف، رعایت عدل و انصاف را در باره اهل کتاب متذکر می شود و آنها را سزوار قساوت و بد رفتاری نمی داند (دشتی، ۱۳۹۰: ۳۵۵).  
امام علی علیه السلام در بستر شهادت از امام حسن علیه السلام خواست تا قتل او را زمینه تصفیه حساب- های خونین قرار ندهند و در نامه ۴۷ نهج البلاغه می فرماید: «پسران عبدالمطلب، نبینم در خون مسلمانان فرو رفته اید و دست ها را بدان آلوده کنید و بگویید: «امیر مؤمنان را کشته اند!» بدانید جز کشته من نباید کسی به خون من کشته شود» (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۲۵).

## ۳- ادای حقوق سیاسی و اجتماعی مخالفان و دشمنان

پس از کشته شدن عمر بن خطاب، شورای شش نفره برای تعیین خلیفه به امام پیشنهاد پذیرش خلافت را دادند مشروط بر آن که به سنت شیخین (ابوبکر و عمر) رفتار کند، اما ایشان نپذیرفت و حاضر نشد دروغی مصلحت آمیز بگوید و قدرت را به شکلی غیراخلاقی به دست آورد. در این مورد نوشته اند که عبدالرحمان بن عوف سه بار به امام پیشنهاد خلافت را داد مشروط بر آن که ایشان طبق کتاب خدا، سنت پیامبر و سیره شیخین عمل کند، اما ایشان بی هیچ مجامله ای پاسخ دادند که طبق کتاب خدا و سنت پیامبرش در حد توان خود عمل خواهد نمود (محمودی، ج ۱، ۱۹۹۰: ۱۴۳).

### ۳- ۱. ادای حقوق خوارج از طریق مناظره با آنان

ابتدا امام در نامه ۷۷ نهج البلاغه: نماینده خود عبدالله بن عباس را به محلّ تجمع خوارج می فرستد و به او گوشزد می فرماید: «با قرآن، با خوارج به جدل نپرداز و... لیکن با سنت پیامبر با آنان به بحث و گفت و گو پرداز که در برابر آن راهی جز پذیرش ندارند» (دشتی، ۱۳۹۰: ۴۴۱).

### ۳- ۲. چشم پوشی از خطای سیاسی مخالفان و دشمنان

امام در نامه ۲۹ نهج البلاغه: بعد از جنگ جمل، مردم به بصره فرار کردند و امام همه را بخشید و «عفو عمومی» اعلام نمود (دشتی، ۱۳۹۰: ۳۶۹).

به مردم اجازه داد تا کشته های خود را دفن کنند و سپس بر کشتگان کوفه و بصره (بر جنازه باران و دشمنانشان) نماز خواند و دستور داد قطعات جدا شده بدن ها را جمع و در قبوری بزرگ دفن نمایند. آنگاه اشیاء باقی مانده صحنه نبرد را به مسجد آورده و دستور داد، به جز اسلحه، هرکس هر چیزی از اشیاء را می شناسد که از آن اوست، بردارد (ابن الاثیر، ج ۳، ۱۳۸۵:ق: ۲۵۵).

در حکمت ۴۲۴ نهج البلاغه می فرماید: «بردباری پرده ای است پوشان، و خرد شمشیری است بُران؛ پس نُقصان های خُلقت را با بردباریت ببوشان، و با خرد خویش هوای نفست را بمیران» (دشتی، ۱۳۹۰: ۵۲۳).

### ۳- ۳. توهین و تحقیر نکردن مخالفان و دشمنان

در خطبه ۱۶۷ نهج البلاغه امام علی علیه السلام یکی شرط های توحیدی زندگی نمودند و مسلمان واقعی بودن را رعایت حرمت و حدود زبان خود در برابر مخالفان و دشمنان بیان می نماید. در اینجا حضرت می - فرماید: مسلمان کسی است که مسلمانان از زبان و دست او جز در حق در امان باشند و اصولاً جز در آنچه خداوند فرموده و واجب کرده است هیچ کس حق ندارد مسلمان دیگری را تحت هیچ عنوان به فرمان هیچ کس آزار رسانده و به نوعی او را ناراحن نماید (دشتی، ۱۳۹۰: ۲۲۹).

### ۳- ۳- ۱. توهین به امام در مجامع عمومی، هنگام سخنرانی و یا هنگام نماز

روزی یکی از خوارج قبل از جنگ نهروان وارد مسجد شد و در مقابل امام ایستاد و گفت: از تو اطاعت نمی کنم و در نماز به تو اقتدا نمی کنم و تو را دشمن می دارم. امام به حرف های او گوش داد و فرمود: «با این روش، بر خلاف دین عمل می کنی و به خود ضرر می زنی.» آن مرد با تندى از مسجد خارج شد. یاران امام گفتند: او می رود و فتنه به پا می کند. تا دست به حرکتی نزده، او را دستگیر کنیم. امام فرمود: «تا عمل خلافی از وی صادر نگردد، نمی توانیم آزادی او را محدود سازیم» (دشتی، ۱۳۸۰: ۱۵۶).

### ۳- ۳- ۲. برهم زدن سخنرانی های امام علی علیه السلام

در خطبه ۱۹ نهج البلاغه: یکی از سردسته خوارج، اشعث بن قیس است که نقش ستون پنجم سپاه معاویه را نیز داشت. او با ایجاد اخلال و برهم زدن سخنرانی امام، موقعیت آن حضرت را

تضعیف می نمود. حتی امام او را لعنت نمود و فرمود: «لعنتِ خدا و لعنتِ کندگان بر تو باد ای متکبرِ متکبرزاده منافق پسر کافر (دشتی، ۱۳۹۰: ۴۳)».

#### ۴ - ممنوعیت بکار بردن خشنونت یا ترور علیه دشمنان

در خطبه ۲۴۰ نهج البلاغه می فرماید: در جریان شورش برضد عثمان و محاصره خانه اش، انتظار می رفت که امام از این فرصت نهایت استفاده را ببرد و خلافت را به چنگ آورد، اما ایشان از وضع پیش آمده استقبال نکرد و کوشید وساطت کند و مردم را به آرامش، و عثمان را به اتخاذ سیاست صحیح دعوت کند و در این راه چندان پیش رفت و از عثمان دفاع کرد که خود به ابن عباس فرمود: «به خدا، کوشیدم آزار مردم را از او باز دارم؛ چنان که ترسیدم در این کار گناهکارم (دشتی، ۱۳۹۰: ۳۳۹)».

در حکمت ۴۲۰ نهج البلاغه می فرماید: امام علی علیه السلام در برابر حرکات ایدایی و جوسازی خوارج در کوفه به هیچ گونه خشنوتی دست نزد و در مقابل هتاک‌ها و فحاشی‌های آنان نیز کریمانه می گذشت (دشتی، ۱۳۹۰: ۵۲۳).

#### ۵ - عدم استفاده از پیمان شکنی برای پیشبرد امور سیاسی

امام علی علیه السلام در سخنانی خود در خطبه ۲۷ نهج البلاغه می فرماید: «تا آن جا که قریش می گوید: «پسر ابوطالب دلیر است، اما علم جنگ نمی داند (دشتی، ۱۳۹۰: ۵۱)» و یا آنکه در خطبه ۴۱ نهج البلاغه تعهد به عهد و پیمان را نشانه وفا و صدق می داند و همچنین در ادامه می فرماید تعهد سپر و محافظ محکمی است که جامعه را متحد و منسجم می کند و باعث حفظ و بقای جامعه می شود (دشتی، ۱۳۹۰: ۶۵).

آن حضرت در خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه می فرماید: در برابر این تصور که معاویه از ایشان زیرک تر است، فرمود: «به خدا سوگند، معاویه زیرک تر از من نیست، لیکن شیوه او پیمان شکنی و گنه کاری است. اگر پیمان شکنی ناخوش آیند نمی نمود زیرک تر از من نبود، اما هر پیمان شکنی به گناه برانگیزاند و هر چه به گناه برانگیزاند، دل را تاریک گرداند (دشتی، ۱۳۹۰: ۳۰۱)».

#### ۵ - ۱. عدم شکستن پیمان با معاویه در جنگ صفین

خوارج بعد از این که امام را مجبور به قبول صلح با معاویه در جنگ صفین نمودند این اتفاق

زمانی روی داد که معاویه با ترفند عمر وعاص قرآن ها را بر سر نیزه ها قرار داد و باعث فریب سپاه اسلام شد (مفید، ۱۳۶۷: ۹۸). امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر می فرماید: هرگز صلحی را که از جانب دشمن پیشنهاد می شود و رضای خدا در آن است رد مکن؛ چرا که در صلح برای سپاهت آرامش (و سبب تجدید قوا) و برای خودت مایه راحتی از هم و غم ها و برای کشورت موجب امنیت است (دشتی، ۱۳۹۰، ۴۱۷).

### ۵-۲. پرهیز از خیانت در امانت

در خطبه ۲۳ نهج البلاغه می فرماید: «مرد مسلمان از خیانت پاک، یکی از دو پاداش را از خدا چشم می دارد: یا خدایش نزد خود بخواند، که آن چه نزد خداست برای او بهتر است، یا او را روزی رساند، که آن گاه دارای زن و فرزند، و مال و دین، و شرف و گوهر است (دشتی، ۱۳۹۰: ۴۷)».

### ۶- لزوم پرهیز از کذب و وعده کذب

در نامه ۵۳ نهج البلاغه می فرماید: «ای مالک وعده دهی و خلاف آن عمل کنی (وعده کذب) زیرا خلف وعده سبب برانگیختن خشم خدا و مردم می شود. خداوند سخت خشم گین می شود که چیزی بگوئید و بدان عمل نکنید (دشتی، ۱۳۹۰: ۴۱۱)». رفتار امام قبل و بعد از حکومت یکسان بوده است.

### ۶-۱. پرهیز از وعده کذب در شورای شش نفره تعیین خلیفه سوم

در خطبه ۳ نهج البلاغه که خطبه شششقیه معروف است امام علی علیه السلام در مورد شورای شش نفره خلیفه دوم این موضوع را بیان می فرمایند. به در جریان شورای شش نفر خلیفه دوم امام علی علیه السلام از وعده کذب پرهیز نموده است. با تشکیل شورا، زیبر به علی رأی داد. طلحه نیز رأی خود را به عثمان داد و سعد هم به عبدالرحمن. سه کاندیدا ماند و هر کدام با دو رأی. عبدالرحمن رو به علی علیه السلام کرد و گفت: اگر تعهد کنی که مطابق قرآن و سنت و سیره شیخین عمل کنی من به تو رأی می دهم. به این طریق می خواهد القا کند که من علی را قبول دارم. امام علی علیه السلام فرمودند: «من به قرآن و سنت پیامبر و اجتهاد خود عمل خواهم کرد.» اما عثمان این شرط را قبول کرد. عبدالرحمن دوباره رو به علی کرد و به ایشان گفت: اگر تو بپذیری من با تو بیعت خواهم کرد! این



کار سه بار تکرار شد و هر بار حضرت همان جواب را دادند. پس از آن عبدالرحمن دست عثمان را در دست گرفت و با او بیعت نمود (دستی، ۱۳۹۰: ۲۹).

### ۷- مهربانی با مردم و تجسس نکردن در زندگی خصوصی آنان

امام علی علیه السلام در نامه ۵۳ نهج البلاغه در خصوص این بخش: عمدتاً درباره عیب پوشی والی نسبت به رعیت سخن می‌گوید و تأکید می‌ورزد که وظیفه او تنها مبارزه با عیوب ظاهر است و باید از تجسس و پرداختن عیوب باطن و از کسانی که او را تشویق به این کار می‌کنند بپرهیزد. می‌فرماید: باید دورترین رعایا به تو و مبعوض ترین آنها در نزد تو کسانی باشند.

### ۸- پرهیز از کبر و غرور

در خطبه ۲۰۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «از سخیف‌ترین ویژگی‌های والیان در نزد مردم صالح آن است که مردم پندارند که آنان دوستدار فخر و مباهات‌اند و بنای کار خود را بر کبر و غرور قرار می‌دهند (دستی، ۱۳۹۰: ۳۰۵)». در نامه ۱۹ نهج البلاغه به عدم تحقیر توسط کارگزاران خود تأکید می‌نماید؛ تحقیر بوسیله هواداران خود تأکید می‌نماید (دستی، ۱۳۹۰: ۳۵۱). در حکمت ۱۶۷ نهج البلاغه آفت تکبر را باعث کم شدن کارهای نیک می‌داند: کسی که خودبین و خودپسند است در خود نقصی نمی‌بیند تا آن را برطرف کند و خود را فاقد کمالی نمی‌داند تا برای کسب آن تلاش کند (دستی، ۱۳۹۰: ۴۷۵).

### ۹- لزوم پرهیز از ظلم و ستم به مردم

در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه در فرازی حضرت «ظلم» را بر اساس مجازات آنها به سه دسته تقسیم کرده است: «۱. ظلمی که هرگز بخشوده نخواهد شد، که شرک به خدا است. ۲. ظلمی که بخشوده می‌شود و بازخواست ندارد، مانند ستمی که بندگان با ارتکاب گناهان صغیره به خویشان کرده‌اند. ۳. ظلمی که بدون کیفر نخواهد بود، مانند ظلم بندگان به یکدیگر است که مجازات آن شدید است و تا صاحب حق از آن نگذرد، خداوند نمی‌بخشد (دستی، ۱۳۹۰: ۲۴۱)». از مصداق‌های ستم به مردم در حوزه سیاست و اگذاری مناسب حکومتی و تخصصی به افراد نالایق و بی‌کفایت است. در سیره امام علی علیه السلام دیده می‌شود که گاه افرادی از لحاظ معنوی و دینی در مرتبه بالایی قرار داشته‌اند و فردی مانند کمیل که دعای مشهور کمیل را حضرت به ایشان به عنوان از یاران و اصحاب سر حضرت

بوده‌اند تعلیم می‌دهد. اما از واگذاری مسئولیت و منصب حکومتی به ایشان خود داری نمودند. از دیدگاه امام علی القاعده مبتنی بر داوری بوده است که وجود دینداری و تعهد الهی، لازم هست اما کفایت نمی‌کند. هم تعهد و هم تخصص لازم است. امام در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر وی را به شدت از ظلم و ستم باز می‌دارد و حتی برخی از مصداق‌های «ظلم را نه تنها کیفر اخروی بلکه باعث زوال قدرت سیاسی حاکم می‌داند(دستی، ۱۳۹۰: ۴۱۳)».

### ۱۰- اکتفا به حداقل در استفاده از مواهب دنیوی در دوران زمامداری

امام علی علیه السلام در نامه ۴۵ نهج البلاغه استفاده از مواهب دنیایی بر خلاف روش معمول زمامداران، در دوران حکومت خود به حداقل‌ها در غذا و پوشاک اکتفا می‌کردند. در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «دورترین مردم در قلمرو حکومت تو همان اندازه حق دارند که نزدیک‌ترین آنها حق دارند(دستی، ۱۳۹۰: ۴۱۷)».

### ۱۱- آنچه برای خود از دشمن، در دشمنی انتظاری داری

در نامه ۵۳ نهج البلاغه می‌فرماید: «از مردم خطاها سر خواهد زد و لغزش‌هایی کنند، پس، از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان‌گونه که دوست داری که خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد. هر گاه کسی را بخشودی، از کرده خود پشیمان مشو و هر گاه کسی را عقوبت نمودی، از کرده خود شادمان مباش(دستی، ۱۳۹۰: ۴۱۵)».

### شاخص‌های عدالت محوری در جنگ‌های سه‌گانه امام علی علیه السلام

#### ۱- مقدم شمردن صلح بر جنگ (با مسلمانان نه کفار)

حضرت در خطبه ۳۱ نهج البلاغه به منظور جلوگیری از جنگ دست به یک تاکتیک زد و آن وارد شدن از در قوم و خویشی با زبیر در جنگ جمل است، در حاکمیت امام علی علیه السلام و شیعه او چون بنا بر هدایت و اضافه کردن بر جناح حق طلب و حفظ وحدت است نه جنگ، سعی بر کاستن مخالفان و دشمنان و جذب آنها با حفظ اصول دارد، اما از آنجا که ممکن است در بعضی مانند طلحه اصولاً زمینه وجود نداشته باشد و در پاره‌ای همچون زبیر چنین زمینه‌ای موجود باشد،

که یکی از آن موارد در خطبه ۳۱ نهج البلاغه می‌باشد که در آن به عبدالله بن عباس پسر عموی خود ماموریت می‌دهد تا از طلحه صرف نظر کند اما به سراغ زبیر برود و در مقام جذب او که طبیعتی نرم دارد و از عاطفه خویشاوندی استفاده کرده و به بگوید، علی علیه السلام پسر دایی ات چنین می‌گوید: و برای جذب او و هدایت او و جلوگیری از جنگ همانند شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله با عطف و مخالف و دشمن را جذب کند و در عاطفه و احساس متوقف نشود و بعد از آن بلافاصله وارد حیطة عقل و استدلال شود و به او بگوید: چگونه است که حق مرا در حجاز شناخته و در عراق آن را منکر می‌شوید (دشتی، ۱۳۹۰: ۵۵)!

## ۲- پرهیز از شروع جنگ

هدایت و تقدم صلح بر جنگ دلیل عدم شروع جنگ توسط مسلمانان است. این موضوع در نهج البلاغه اشاره شده است که در ذیل به آن پرداخته شد. نامه ۱۴ پرهیز از شروع جنگ؛ در نامه ۱۴ نهج البلاغه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «با دشمن نجنگید تا او جنگ را آغاز کند؛ زیرا شما بحمدالله حجت دارید و این که شما آنان را بگذارید تا آغازگر جنگ باشند، حجت دیگری است در دست شما در برابر آنان» (دشتی، ۱۳۹۰: ۳۵۳).

## ۳- مصونیت پیام‌رسانان و قاصدان دشمن

مصونیت پیام‌رسان معاویه در نزد امام علی علیه السلام؛ هنگامی که پیام‌رسان معاویه را دیده بود و وی چیزی در پشت خود مخفی کرده بود و از نامه‌رسان پرسید؟ چه چیزی را در پشت خود مخفی نموده‌ای؟ نامه‌رسان گفت می‌ترسم که مرا بکشی! سپس امام علی علیه السلام فرمود: چگونه تورا می‌توانم تورا بکشم که تو نامه‌رسان هستی (بلازی، ج ۲، ۱۴۱۷: ۲۱۱).

## ۴- فتوت و جوانمردی

خطبه ۱۷۵ و فتوت و جوانمردی؛ امام علی علیه السلام فتوت و جوانمردی را بهترین جلوه دین و زیباترین زینت انسان می‌دانند. آنچه که امام علی علیه السلام را برای جوانمردان و اهل فتوت در جایگاه قطب فتوت نشانده، ویژگی‌های اخلاقی آن حضرت است که در اعمال و کلام آن بزرگوار پدیدار است. امام علی علیه السلام در خطبه ۱۷۵ نهج البلاغه می‌فرماید: «این مردم سوگند به خدا من شما را به هیچ طاعتی

و اداری نمی‌کنم مگر آن که پیش از آن خود عمل کرده‌ام و از معصیتی شما را باز نمی‌دارم جز آن که پیش از آن ترک گفته‌ام (دستی، ۱۳۹۰: ۲۳۵)».

### ۵- عفو و گذشت در مواجهه با دشمنان و مخالفان

عفو و گذشت در مواجهه با دشمنان و مخالفان از مولفه‌های مهم و عجیب در سیره اخلاقی امام علی علیه السلام و عفو گذشت به خصوص هنگام غلبه بر دشمن بود. رفتار بزرگواران و توأم با فتوت او با مخالفان و دشمنان مانند مروان و عبدالله ابن زبیر و سعید بن العاص که در جنگ جمل بر آنان تفوق یافت و علیرغم اسارت، امام آنها را آزاد کرد و تلافی نمود، از آن جمله است. اهل بصره علیه وی و اولادش دست به شمشیر بردند و ناسزا گفتن امام پس از غلبه بر آنان، همگی را امان بخشید و مانع تصاحب اموالشان شد.

نامه ۲۳ نهج البلاغه و عفو گذشت ابن ملجم؛ وصیت امام علی علیه السلام در نامه ۲۳ نهج البلاغه لحظه شهادت به فرزندش امام علیه السلام می‌فرماید: «اگر زنده ماندم، خود اختیار خون خویش دارم و اگر بمیرم، مرگ، وعده‌گاه من است، اگر عفو کنم، برای من نزدیک شدن به خدا و برای شما نیکی و حسنه است، پس عفو کنید، آیا دوست دارید خدا شما را بیامرزد؟! (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲۰۱)»

### ۶- خوش رفتاری با ناتوانان

در نامه ۵۳ نهج البلاغه امام علی علیه السلام خطاب مالک می‌فرماید: محبت به رعیت را شعار قلب خود قرار ده، بر رعیت همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت دانی، که رعیت بر دو گروهند: یا برادر دینی تو، یا انسانهایی مانند تو، که خطاهایی از آنان سر می‌زند، علل گناهی بر آنان عارض می‌شود، و گناهی از آنان به عمد یا اشتباه بروز می‌کند، پس همان گونه که علاقه داری خداوند بخشش و چشم پوشی را به تو عنایت نماید رعیت را مورد عفو و چشم پوشی قرار بده، چرا که تو از نظر قدرت برتر از آنانی و آن که بر تو ولایت دارد بالاتر از تو می‌باشد، و خداوند برتر از آن کسی که تو را والی مصر نمود (دستی، ۱۳۹۰: ۴۰۳).

### ۷- پرهیز از پیمان شکنی

بررسی سیره امام علی علیه السلام نشان دهنده اهتمام ایشان جهت به حداقل رساندن خشونت و رعایت همه

جانبه عدالت در صحنه جنگ است. به طور کلی مواجهه با دشمن از راهایی که خلاف مروت و جوانمردی باشد جایز نیست. ایشان جنگ را به ساعات پایانی روز موکول می‌کردند تا با نزدیک بودن تاریکی شب سربازان کمتری از دشمن کشته شوند (ابن بابویه، ج ۲، ۱۳۸۵: ۶۰۳).

### خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه و پرهیز از پیمان شکنی

گروهی به امام علی علیه السلام در مقام اعتراض می‌گویند که ظاهراً معاویه از شما باهوش‌تر و باکیاست‌تر در سیاست و حکمرانی و پیشبرد اهداف سیاسی است و امام علی علیه السلام در پاسخ این گروه می‌فرماید: امام علی در خطبه ۲۰۰ نهج البلاغه ضمن اشاره به رفتار معاویه به ناپسند بودن قدر اشاره کرده و آن را گناهی بزرگ برشمرده که مرتکب آن کافه است.

«به خدا سوگند معاویه از من زیرکتر نیست، او پیمان شکنی و گنهکار و مکر و حيله می‌کند. اگر پیمان شکنی ناپسند و نامطلوب نبود و خلاف قانون الهی نبود، من زیرکترین انسان‌های روی زمین بودم. ولی پیمان شکنان گنهکارند و کناه کاران اهل فجور و نافرمانی. و برای هر فریبکار و پیمان شکن در روز قیامت پرچم و نشانه‌ای است که به آن شناخته می‌شود (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۱۸)».

## ۸- ممنوعیت جنگ با غیرجنگجویان و عدم تعرض به ایشان (یعنی عدم

### تعرض به مجروحان، اموال و اجساد ایشان)

نامه ۱۴ نهج البلاغه ممنوعیت جنگ با غیرجنگجویان؛ یکی دیگر از مهمترین اصول اخلاقی دشمنی که در نامه ۱۴ نهج البلاغه آمده این است که: «افراد بی‌گناه و به ویژه زنان و کودکان و سالخورده‌گان مصون باشند. از دستورات اکید امام علی علیه السلام در جنگ‌ها این بود که تحت هیچ شرایطی به زنان تعرض نکنید حتی اگر به شما و فرماندهان و بزرگان شما دشنام دهند (دستی، ۱۳۹۰: ۲۵۳)».

## ۹- دفاع از هم‌زمان

در خطبه ۱۲۳ نهج البلاغه در جنگ صفین می‌فرماید: هر مرد جنگاوری از شما که در عرصه نبرد خود را دلیر یابد و در یکی از برادرانش ترس و سستی ببندد، باید که به نیروی دلاوری خویش - که خداوندش عطا کرده - دشمن را از او براند، همان گونه، که از خود می‌راند. و گرنه، ممکن بود که خواست خدا بر این قرار می‌گرفت که او را هم همانند این یک بد دل گرداند، امام علی علیه السلام به

لشکریانش توصیه می‌کند که در صحنه جهاد یکی از هم‌زمان خود را مشاهده کردند که در برابر دشمن دچار ضعف و ناتوانی شده، او را نجات دهند. این روایت نوع نگرش فرد مسلمان به همراه خود را که یکی از مبانی اخلاق در جهاد است تبیین می‌کند دفاع از همه مردم در صحنه سخت کارزار که خطر از دست دادن جان نیز وجود دارد بر پایه نگرش دین به اخوت و برادری بین هم‌زمان ارزش پیدا می‌کند (دشتی، ۱۳۹۰: ۱۶۵).

### ۱۰- دعا و خیرخواهی برای دشمن

این دیدگاه در سیره امام علی علیه السلام نیز دیده می‌شود ایشان از حجر بن عدی و عمرو بن الحمق که زبان به لعن دشمن باز کرده بودند، می‌خواهند که برای حفظ جان دشمن، نجات آنها را از گمراهی و ایجاد صلح بین آنها دعا کنند: « اگر به جای لعن کردن اهل شان و بی‌زاری جستن از آنها اینگونه دعا کنید که خدایا! خون ما و آنها را حفظ کن، بین ما آنان اصلاح فرما، و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن، تا آنان که جاهلند، حق را بشناسند، و آنانکه با حق می‌ستیزند پشیمان شده به حق بازگردند، برای من خوشایندتر و برای شما بهتر است (المجلسی، ج ۳۳، ۳۳۳: ۱۴۰۳: ۳۹۹)».

### ۱۱- پرهیز از دشنام دادن به دشمن

علی علیه السلام در خطبه ۲۰۶ لوازم اخلاق را این گونه بیان می‌کند و از پیروان خود می‌خواست که این امر را پاس بدارند و از زشت گویی پرهیزند، حتی با دشمن متجاوز در حال جنگ، چنان که در هنگام جنگ صفین، وقتی امام علیه السلام دید که برخی از یارانش، از جمله حُجْر بن عدی و عمرو بن حَمِق به معاویه و شامیان دشنام می‌دهند و زشت گویی می‌کنند، حضرت آنان را خواست و از چنین ادبیاتی بی‌زاری جست و بدانان آموخت که در گویش هایشان پایبند اخلاق باشند (مفید، ۱۳۶۷: ۱۶۵).

### ۱۲- نکوهیده بودن فرار از مقابل دشمن

امام علی علیه السلام در خطبه ۲۷ نهج البلاغه جهاد را دری از درهای بهشت می‌داند که عاقبت ترک جهاد را ذلت و مصیبت دانسته‌اند: جهاد دری است از درهای بهشت، که خداوند آن را به روی اولیاء خاص خود گشوده، جهاد جامه پرهیزگاری، زره استوار، و سپر مطمئن خداست. هر کس آن

را از باب بی‌اعتنایی ترک کند خداوند بر او جامه ذلت بپوشاند، و غرق بلا نماید، و به ذلت و خواری و پستی گرفتار آید، بر دلش پرده‌های بی‌عقلی زده شود، و در برابر ضایع کردن جهاد حق از او گرفته شود، و محکوم به ذلت و خواری، و محروم از انصاف گردد. (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۶۹).

### ۱۳- ممنوعیت کشتار جمعی

سپاه اسلام در جنگ به دنبال کسب پیروزی است، ولی نه آن پیروزی که به قیمت کشتار بی‌منطق عده‌ای زیادی از انسان‌ها، هر چند انسان‌های مشرک و کافر تمام شود، لذا در صورت ناگزیر بودن جنگ، تلاش پیکارجویان مسلمان بر این است که تلفات انسانی از طرفین کمتر باشد، بر همین اساس است که در برنامه‌های نظامی اسلام کاربرد ابزارها و سلاح‌هایی که کشتار جمعی را موجب می‌شوند مردود شناخته شده و از ریختن زهر و مسموم کردن آب دشمن منع شده و به منزله رفتار غیر انسانی تلقی گردیده است. از این آموزه‌های نظامی سیاسی اسلام می‌توان نظر اسلام را درباره ممنوعیت کاربرد سلاح‌های شیمیایی و میکروبی و هسته‌ای در عصر جدید را استنباط کرد.

این عمل اخلاقی امام علی علیه السلام در خطبه ۲۰۶ نهج‌البلاغه فرموده است: از آنجا که اصل جنگ به ناچار و از روی اکراه واقع شده و تمام تلاش‌ها برای رخ ندادن آن به نتیجه نرسیده، در خلال جنگ هم کماکان آن اکراه و ناچاری وجود دارد. تلاش برای رخ ندادن جنگ به دلیل خسارت‌های جانی ناشی از آن بود، حال که به ضرورت و به ناچار اتفاق می‌افتد، خسارت‌های جانی و کشتن انسان‌ها مشروعیت پیدا نمی‌کند و کراهت اولیه به اشتیاق تبدیل نمی‌شود، بلکه همچنان باید در طول جنگ تلاش کرد انسان‌ها در حد ضرورت کشته شوند و تا کشته‌های دشمن به حداقل برسد. این امر ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را نشان می‌دهد و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را که تعداد بیشتری از انسان‌ها را به کام مرگ می‌فرستد، ضد اخلاقی و غیر مجاز می‌داند. امام علی علیه السلام در جنگ صفین به لشکریان خود سفارش کرد که دعا کنند خداوند آنها و دشمن را از کشته شدن برهاند و جانشان را حفظ کند و میان آنها صلح و سازش برقرار سازد (شهیدی، ۱۳۹۵: ۲۴۰).

### ۱۴- پرهیز از آسیب زدن به درختان و حیوانات

در روایات از قطع کردن درختان و نابود کردن مزارع نهی شده است. در روایتی امام صادق علیه السلام قطع

کردن درختان را باعث نزول عذاب الهی دانسته‌اند (کلینی، ج ۵، ۱۳۷۹: ۲۶۴). قطع درختان و آسیب زدن به مزارع و حیوانات حتی در زمان جنگ نیز مجاز دانسته نشده است. خطبه ۸۰ نهج البلاغه و توجه به استفاده صحیح از محیط زیست؛ - لزوم استفاده صحیح از علوم مربوط به محیط زیست: وقتی امام قصد جنگ با خوارج را داشت یکی از یاران گفت با استفاده از علم ستارگان می‌گوییم که اگر اینک حرکت کنی به هدفت نرسی. امام این سخن وی را نپذیرفت و پس از نکوهش وی در خطبه ۸۰ نهج البلاغه فرمود: «ای مردم! از اخترشناسی روی بتابید، جز آن چه بدان راه دریا و بیابان را یابید (دستی، ۱۳۹۰: ۹۱)».

### ۱۵- حفظ عمران و آبادیها

در نامه ۱۴ امام علی علیه السلام: چون به محل سکونت و اردوی دشمن رسیدید هیچ پرده‌ای را پاره نکنید و بدون اجازه وارد هیچ خانه‌ای نشوید، چیزی از اموال خانه‌ها را نگیرید (مفید، ۱۳۷۱: ۲۸۰).

### ۱۶- منع تعقیب کردن فراریان و منع کشتن مجروحان

نامه ۱۴ نهج البلاغه و عدم کشتن اسیران می فرماید: اگر به اذن خداوند دشمن شکست خورده و فراری شد، پشت کرده را نکشید. (مفید، ۱۳۷۱: ۲۸۰). خطبه ۷۳ نهج البلاغه؛ در خطبه ۷۳ نهج البلاغه امام علی علیه السلام در واقعه جمل می فرماید: نباید اجساد مورد تعرض و بی احترامی قرار گیرد زیرا به سبب کرامت انسانی حتی جسد بی جان انسان نیز از نظر اسلام دارای حرمت و احترام است و تشییع و دفن آن تابع مناسک و احکام خاص خود است. به همین دلیل به هیچ وجه جایز نیست اجساد دشمن مورد بی احترامی قرار گیرد یا مثلح شود (مفید، ۱۳۷۱: ۷۳).

### ۱۷- انصاف و رفتار نیک با اسیر دشمن

امام علی علیه السلام خوش رفتاری با اسیر را از حقوق اسیر شمرده و انجام آن را واجب می- دانند (الحر العاملی، ج ۱۵، ۱۴۰۹: ۹۲). در هفده شوال در جنگ خندق روزی علی علیه السلام با عمرو بن عبدود پهلوان معروف عرب مبارزه‌ای جوانمردانه کرد و او را شکست داد و پرچم اسلام را سر بلند کرد. پس از شکست دادن عمرو بن عبدود به طرف او رفت تا سرش را از بدنش جدا کند که عمرو آب دهان خود را به صورت ایشان انداخت؛ حضرت از جای خود برخاست و مقداری در میدان جنگ قدم زد سپس به سمت او رفت، عمرو علت این کار را جویا شد حضرت گفت: آن



لحظه که آب دهانت را به صورت من انداختی غضب و خشم من را گرفت، نمی‌خواستم تو را در این حالت بکشم؛ مقداری قدم زدم تا آرام شوم. در نامه ۴۷ و توصیه برای ابن ملجم می‌فرماید؛ او که اکنون در اختیار شماست، با او مدارا کنید و اگر من از دنیا رفتم، تنها یک ضربت به او بزنید. و دستور داد از شیر و غذای خودش به او هم بدهند. ایشان خطاب به فرزندان فرمودند: ای نوادگان «عبدالمطلب» نکند شما بعد از شهادت من، دست خود را از آستین بیرون آورده و در خون مسلمانان فرو برید و بگوئید امیر مؤمنان کشته شد (و این بهانه ای برای خون ریزی شود). آگاه باشید بخاطر من تنها قاتلم را باید بکشید. بنگرید! هر گاه من از این ضربت جهان را بدرود گفتم او را تنها یک ضربت بزنید، تا ضربتی در برابر ضربتی باشد، این مرد را مثله نکنید (گوش و بینی و اعضا او را نبرید) که من از رسول ﷺ شنیدم می‌فرمود: «از مثله کردن پرهیزید گر چه نسبت به سگ گزنده باشد» (شهیدی، ۱۳۹۵: ۳۵۰).

### نتیجه گیری

بر اساس آنچه از آموزهای نهج البلاغه مشاهده شد امام علی علیه السلام سیاست نرم و سیاست سخت را وسیله‌ای برای هدایت و تربیت مردم برای رسیدن به کمال قرار داده است. در دیدگاه امام در نهج البلاغه عدالت سوار بر سیاست نرم و سخت است. سیاست ابزاری برای کمال انسانهاست و لذا این ابزار تنها به قیمت حفظ اصول عدالت ورزی ارزشمند است. در شورای شش نفره وقتی بناست برای رهبری جامعه حاکم تعیین گردد امام علیه السلام حاضر نیست اصول اسلامی را فدای کار دیگری قرار بدهد و زمانی که از وی خواسته می‌شود به روش خلفای پیشین در اداره عمل نماید امام علیه السلام حاضر نمی‌شود به بهانه مصلحت دروغ بگوید یعنی در ابتدا بگوید من با پیشنهاد شما موافق هستم اما وقتی به قدرت رسید تعهد خود را زیر پا بگذارد. امام علی علیه السلام جنگ را نیز وسیله‌ای برای هدایت می‌داند.

امام علیه السلام رهبری جامعه را به مثابه طبیعی برای درمان روح و جان آدمی می‌داند. همانند یک طبیب که برای برای درمان و سلامت بیمار دست به جراحی می‌زند و نباید انصاف را در جراحی بیمار خود نادیده بگیرد و به حداقل‌های ممکن در جراحی اکتفا نماید یعنی فقط آن بخشی را که ممکن است باعث تشدید بیماری و مرگ مریض شود، از بدن بیمار خارج می‌کند و به بخش‌های

سالم بیمار برای منافع مادی خود دست نمی‌زند.

امام علی علیه السلام در مقام رهبری جامعه، همانند طیب بود و تا آنجا که ممکن است برای سلامت و هدایت جامعه با مخالفان و دشمنان مدارا کرد. بر این اساس چه در سیاست نرم و چه در سیاست سخت، حداکثر مدارا با این گروه دارد. در برخورد با معاویه و یا در برخورد با اصحاب جمل و یا در برخورد با اصحاب نهروان امام علیه السلام حداکثر تلاش خود را برای درمان این بیماران می‌نماید که باعث خسارت به بخش‌های دیگر جامعه نشود.

مدارا و رفتار انصاف امام علیه السلام نه سر ضعف و ناتوانی است بلکه از سر بندگی و کمال طلبی است. هنگامی که به مرحله‌ای رسید و مشاهده کرد بایستی جراحی صورت گیرد و غده سرطانی برداشته شود با حفظ اصول اسلامی دست به اقدام عملی میزند و از هیچ چیز جز رضایت مندی خدا هراسی به دل ندارد و با توکل بر خدا عمل می‌کند.

اگر فرار از مقابل دشمن در نزد امام علیه السلام نکوهیده است خودش بدان باور عملی دارد و زره‌ای که در تمام جنگ‌ها بتن دارد فقط یکسوی است و در پشت زره‌ای به تن ندارد. رفتار امام علیه السلام در مواجهه با دشمن و مخالف هیچگاه از دایره انصاف خارج نبوده است و در تمام مدت زندگی چه زمانی در راس حکومت قرار دارد و چه زمانی دیگر از دایره انصاف و عدالت بدور نیست.

از آنجایی که از دیدگاه امام علیه السلام هدف، رضایت خداوند است نه هیچ چیزی دیگر، در زندگی آن حضرت ما شاهد یک خط سیر مستقیم در مسیر الی الله هستیم. رفتار امام علیه السلام در تمام مدت زندگی نشان دهنده مدیریت بعد عالی آن حضرت بر بعد دانی زندگانی حضرت است و اساساً اهل بیت و ائمه به ویژه با برخورداری از عصمت در زندگی، میزان و ترازو و عین عدالت هستند و اگر بگوئیم عدالت از آنها عدالت می‌شود، سخن گزافی نباشد. امام علی علیه السلام تجسم عینی عدالت است و این عینیت در جای جای زندگانی آن حضرت مشاهده می‌شود. همانگونه که در شاخص‌های عدالت در سیاست و یا انصاف و عدالت در جنگ از حضرت بیان شد یک خط سیر اصلی وجود دارد و آن بندگی خداست چه روزی که حکومت در دست دارند و چه روزی که حکومت از آنها غصب شده است.

ملاک برتری انسانها در نزد امام علیه السلام تقوی یا همان خود کنترلی و خود مراقبتی در مسیر الی است. ملاک برای حضرت در دادن مسئولیت نه خویشاوندی و قبله‌ای است، بلکه «شایستگی به

همراه تعهد» است. بر این اساس ما شاهد هستیم که شدت عدالت امام علیه السلام باعث مخالفت و دشمنی است. مانند طلحه و زبیر که روزی از یاران حضرت در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و در کنار حضرت در راه خدا جنگیدند اما پس از بیعت مردم با امام علیه السلام، وقتی مشاهده کردند سهمی از حکومت و سیاست ورزیهای معمول در نزد امام علیه السلام ندارند دست شورش زده و در مقابل امام علیه السلام دست به شمشیر برده و جنگیدند. جنگ‌های که امام علیه السلام در دوران حکومت خود انجام داد با کسانی نبود که امام را نمی‌شناختند بلکه تمام اینها کسانی بودند که امام علیه السلام را کاملاً می‌شناختند و حق امام علیه السلام را می‌شناختند اما دنیا طلبی و یا مدیریت بعد دانی این افراد بر بعد عالی آنها منشاء فساد و تباهی شد و جنگ را بر امام علیه السلام تحمیل کردند.

امام علیه السلام برای رضایتمندی خداوند گاهی فرزندان خود و گاهی عزیزانی دیگری را از سوی خود و به نمایندگی از طرف خود برای هدایت جامعه به شهرهای دیگر اعزام می‌نمودند گاهی این اعزام‌ها سیاسی و گاهی نظامی بود. اینگونه نبود که در مواقع خطر فرزندان خود از معرکه خطر دور سازد و یا در شرایط سختی امت خود و فرزندان در مناطق خوش آب و هوا زندگی کنند.

در دیدگاه امام علیه السلام اگر قرار هست خطری باشد اولویت اول با حفظ دین، بعد حفظ جان و سپس حفظ مال است. حفظ ارزش‌های دین در درجه اول اولویت در نزد حضرت بود و جانش را هم فدای آن ارزش‌ها کرد. ارزش‌های اخلاق در راس ارزش‌های دینی است. در نگاه امام انسان مسافری از سوی خداست یعنی «انا لله» و بسوی خدا باز می‌گردد «والیه راجعون»، در الیه راجعون آنچه اهمیت دارد حفظ ارزش‌های اسلامی است زیرا رضایتمندی خدا در آن است و در راس آن عدالت ورزی و ظلم نکردند دیده می‌شود. انسان بر اساس اختیار و عقلی که خدا به او عطا کرد در سایه هدایت و رهبری عدالت محور راهنمایان الهی که ائمه در راس این راهنمایان قرار دارند، می‌تواند استعدادها و مکارم اخلاقی را در خود شکوفا کند و به رشد و کمال برسد و باعث خوشنودی خداوند گردد. لذا ما شاهد این هستیم که امام علیه السلام برای حفظ دین و برای رضایتمندی خداوند جان خود را در این مسیر فدا می‌سازد. عدالت امام باعث مخالفت‌ها و دشمنی‌ها و سرانجام شهادت آن حضرت شد. امام علی علیه السلام شهید در راه عدالت شد.



## منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، ترجمه ابراهیم محدث، ناشر اخلاق
  ۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع، ج ۲، قم، بقلم هدایت الله مسترحمی، ناشر بوذرجمهری مصطفوی
  ۳. حسینی سرخسی، علی بن ناصر (۱۳۹۸). اعلام نهج البلاغه، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان
  ۴. دشتی، محمد (۱۳۸۰). امام علی علیه السلام و اخلاق اسلامی، قم، انتشارات امیرالمومنین علیه السلام
  ۵. دشتی، محمد (۱۳۸۰). امام علی علیه السلام و مسائل سیاسی، قم، امیرالمومنین علیه السلام
  ۶. دشتی، محمد (۱۳۸۸). امام علی علیه السلام و امور نظامی، قم، انتشارات امیرالمومنین علیه السلام
  ۷. دشتی، محمد (۱۳۹۰). نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، ناشر اشکذر، چاپ یازدهم
  ۸. دشتی، محمد (۱۳۶۹). «المعجم المفهرس لالفاظ نهج البلاغه»، قم، نشر امام علی علیه السلام
  ۹. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). نهج البلاغه، قم، هجرت
  ۱۰. شهیدی، جعفر (۱۳۹۵). علی از زبان علی، تهران، ناشر علمی فرهنگی
  ۱۱. شهیدی، جعفر (۱۳۹۵). نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی، تهران، ناشر علمی فرهنگی
  ۱۲. صبحی، صالح (۱۴۱۴). شرح نهج البلاغه، قم، موسسه دار الهجره
  ۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۷۹). اصول کافی، ج ۲، ج ۳ و ج ۵، شرح فارسی محمدباقر کمره‌ای، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی
  ۱۴. مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۷). نبرد صفین، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، نشر نی
  ۱۵. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۱). نبرد جمل، ترجمه میر شریفی، قم، ناشر الاعلام الاسلامی
  ۱۶. مفید، محمد بن محمد (۱۳۹۴). نبرد جمل، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی
- منابع عربی
۱۷. ابن الاثیر، عزالدین (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ، ج ۳، بیروت، دار صادر
  ۱۸. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷). انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر
  ۱۹. الحر عاملی، شیخ محمد بن الحسن (۱۴۳۰). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱، ج ۱۵، بیروت، داراحیاء التراث العربی
  ۲۰. الحر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۵، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام

٢١. المجلسى، محمدباقر (١٤٠٣). مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول، ج١٩، ج٣٢، ج٣٣، ج٤٠، ج٤٧، تهران، دارالكتب الاسلاميه
٢٢. محمودى، محمدباقر (١٩٩٠). نهج السعاده فى مستدرک نهج البلاغه، ج١، بيروت، دارالتعارف
٢٣. مرعشى، نورالله (١٤٠٩). إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم، چاپخانه مرعشى نجفى، چاپ اول.

بِسْمِ اللَّهِ جَمْعًا وَاحْتِرَاقًا

سى و پنجمين كنفرانس بين المللى وحدت اسلام  
للأمر الدولى الخامس والثلاثون للوحدة الإسلامية

35<sup>th</sup>  
International Conference  
on Islamic Unity

ILIC